



فرارسیدن سال ۲۰۱۵ میلادی را به همه کارگران و زحمتکشانی که این

روز را جشن میگیرند شادباش میگوئیم

جهان در سال گذشته در چنگال بی رحم مناسبات ظالمانه و استثمارگرانه نظام سرمایه داری روزگاری توام با بیم و هراس، جنگ و خونریزی و بحرانهای عظیم مالی سپری کرد. بشریت تشنه آزادی، رفاه و داشتن یک زندگی انسانی که در آن نشانی از ستم و استثمار، زور و سرکوب و جنگ و خونریزی نباشد، بار دیگر فرو ریختن کاخ خیالی و بهشت موعود استثمارگران و جنگ افروزان عالم را به چشم دیدند و بار سنگین آن را در نابودی دست آوردهای جنش کارگری و سایر جنبشهای اجتماعی، در گرانی، بیکاری، گسترش فقر، آلودگی محیط زیست، مرگ و میر میلیونی کودکان، زنان، جوانان، پیران و زجه و ناله انسانهایی که زیر بمبارانها، بمب گزاریها و کشتارها و اعدامها تکه تکه میشدند، برشانه های خود لمس کردند. ناتوانی مهار تشدید بحران عظیم و عمیق مالی جهان سرمایه در سال گذشته و اعتراف سران سرمایه و دول معظم سرمایه داری به تداوم آن در سال جدید، چشم انداز تیره و تارتری را برای ساکنین کره زمین تصویر میکند. **صفحه ۲**

در این شماره ...

پدیده جهانی خشونت علیه زنان **صفحه ۲** * نوشین شفاهی *

انقلاب اکتبر آغاز دوران تاریخی نوین بمناسبت نود و دومین سالگرد

انقلاب اکتبر **صفحه ۴** * خ- عمو اوغلی *

اوضاع کردستان و روند مبارزات توده های زحمتکش کرد در سوریه

در گفتگو با رفیق سائر حسامی از اعضای کمیته

کردستان **صفحه ۶**

گفتگو با صالح مسلم از رهبران کانون های

کردستان سوریه **صفحه ۶**

تبریز جهنم کارگران در دنامه یک کارگر **صفحه ۱۱**

پیام کمیته مرکزی کوبا به احزاب، سازمانها و جنبش های اجتماعی

و سیاسی در سراسر جهان بمناسبت آزادی پنج نفر از زندانیان سیاسی

کوبانی از زندان آمریکا و عادی شدن رابطه با این کشور **صفحه ۱۶**

در مقابله با تعرض کارفرماها و دولت به

حقوق کارگران، خودکشی راه چاره نیست

طبق اخبار منتشره، بعد از اینکه اعتراضات کارگران معدن طلای آق دره واقع در شهرستان تکاب با سرکوب و اخراج و دستگیری تعدادی از کارگران معترض مواجه شد، سه نفر از کارگران در اعتراض به اخراج و سرکوب و از دست دادن شغلشان، در محوطه معدن دست به خودکشی زدند.

اخیرا کارفرما بیش از 350 نفر از کارگران این معدن را اخراج کرده است. کارفرما ها که قانون جنگل را در کارخانه ها و مراکز کارگری در پیش گرفته اند حتی نخواستند مدتی قبل کارگران را در جریان این اخراج دسته جمعی قرار دهند. در حالیکه بیکار شدن کارگران زندگی خود و خانواده آنها را نیز با خطرات متعددی مواجه کرده است. طبق گزارش خبرگزاریها دیروز صبح کارگران شاغل در معدن به همراه کارگران اخراجی در محوطه معدن تجمع اعتراضی برگزار میکنند و خواستار بازگشت به کار کارگران میشوند. این تجمع اعتراضی که تا پاسی از شب ادامه داشته است به نتیجه نمیرسد و مسئولین معدن به خواست های کارگران با تهدید و سرکوب پاسخ میدهند و 11 نفر از کارگران را دستگیر و روانه بازداشتگاه میکنند و کارگران معترض که صبر و تحمل شان به پایان میرسد سه نفر از آنها اقدام به خودکشی میکنند. به گفته کارگران این معدن با وجود آنکه روز گذشته برخی مسئولان شهرستان تکاب برای پیگیری موضوع در جمع کارگران اخراجی معترض حضور داشتند اما در نهایت کارفرما توجهی به خواسته های تجمع کنندگان نکرد.

ادامه در صفحه ۲

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی . برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

در مقابله با تعرض کارفرماها و دولت به حقوق کارگران .

خودکشی راه چاره نیست

به گفته کارگران این معدن با وجود آنکه روز گذشته برخی مسئولان شهرستان تکاب برای پیگیری موضوع در جمع کارگران اخراجی معترض حضور داشتند اما در نهایت کارفرما توجهی به خواسته‌های تجمع کنندگان نکرد.

اخراجی‌های دسته جمعی و بیکارسازی کارگران یکی از شگردهایی است که کارفرماها، دولت و سرمایه داران همچون شمشیر داموکلس بالای سر کارگران نگهداشته اند و برای سود اندوزی و تشدید استثمار نیروی کار و تهدید آنها و بمنظور جلوگیری از اعتراضات و طرح خواست هایشان، هرگاه که اراده کنند بر سر کارگران فرود میاورند. اکنون که دیگر به قوانین کار مورد تصویب خودشان هم وقعی نمینهند . قراردادهای موقت و سفید امضا، تعهدات سنگینی که هنگام به کارگیری کارگران از آنها میگیرند، کار آنها را راحت کرده است و هر وقت که بخواهند کارگران را اخراج و یا آنها را آنچنان تحت فشار قرار میدهند که حتی به دستمزد های ناچیز هم رضایت میدهند در حالی که همین دست مزد های ناچیز هم بموقع پرداخت نمیشوند و کارگران باید ماه ها دوندگی بکنند تا حقوق های عقب افتاده خود را دریافت نمایند. این تعرض افسار گسیخته به حقوق و معیشت کارگران و این اخراجی‌های دسته جمعی بدون اینکه کارگران تامینی برای هزینه های دوران بیکاری داشته باشند، ستم مضاعفی است که از طرف مافیای قدرت و ثروت و دولت حامی آنها برگارگران اعمال میشود . و در مقابل این تعرضات،

کارگران جز تداوم مبارزه و ایستادگی در برابر کارفرما و دولت حامی آنها راه چاره دیگری ندارند. دست زدن به خودکشی در شرایطی که از دست دادن شغل مشکلات عدیده خانوادگی و اجتماعی را در پی دارد و در واقع مرگ تدریجی کارگران و خانواده آنها را رقم میزند و دولت و کارفرما ها کک شان هم نمیگذرد، خودکشی عده ای از کارگران چه تاثیر و احیانا ترحمی را در آنها برخواهد انگیخت؟ برای هراسانی که ثروت اندوزی از قبل کار دیگران چشمان اش را کور نکرده باشد ، درک و فهم اینکه کارگران با از دست دادن شغل سرنوشت آنچنان تیره و تاری را در مقابل خود میبینند که دیگر زندگی برای شان قابل تحمل نمیشود، دشوار نیست. اما این هم واقعیتی است که در جنگ بین سرمایه داران و کارگران رحم و شفقتی در کار نیست . سرمایه به هر قیمتی دنبال سود است ، آنها از هر وسیله و ابزار سرکوب و فریب استفاده میکنند تا نیروی کار را استثمار کرده و سود بیشتری به جیب بزنند. در اینجا تنها تغییر توازن قوا به نفع کارگران است که کارگران را قادر میسازد در مقابل سرمایه داران و دولت بایستند و خواست های اقتصادی و سیاسی خود را به کرسی بنشانند. برای تغییر توازن قوا چاره کارگران وحدت و تشکیلات است. تشکیلاتی که بتواند استقلال طبقاتی کارگران را پاسداری کرده و مبارزه آنها را بر علیه سرمایه سازمانداده و رهبری کند.

خ- عمو اوغلی

فرارسیدن سال ۲۰۱۵ میلادی ...

چشم اندازی که در آن انحصارات سرمایه داری و دول حاکم با انداختن بار بحران بردوش اقشار و طبقات زحمتکش ، بی حقوقی ، استثمار و سرکوب را افزایش خواهند داد. آنها در ترس از بروز جنبشهای اجتماعی و جلوگیری از اقبال کارگران وتوده های زحمتکش مردم از سوسیالیسم بمثابه تنها راه خلاصی از نکبت سرمایه ، زرادخانه های تئوریک و تسلیحاتی خود را به راه خواهند انداخت ، از فریب و نیرنگ ، از مذهب و خرافه، از نژاد پرستی و ناسیونالیسم و هر آنچه که در دسترس دارند برای انحراف افکار عمومی و جلوگیری از بروز انقلابات اجتماعی استفاده خواهند کرد . جنگ و سلطه طلبی ذاتی نظام سرمایه داری است . صاحبان زر و زور با تشدید بحرانهای اقتصادی همچنان بر طبل جنگ خواهند کوبید اما در این وانفسای دنیای وارونه نظام طبقاتی، نقطه امید و چشم انداز روشنی هم وجود دارد . طبقه کارگر ، توده های مردم و بطور کلی بشریت متری از زیر سایه سنگین اختاپوس سرمایه سر بلند میکنند و بیدار میشوند ، چشمهای خویش را به دنیای دیگری ، دنیایی عاری از ستم و استثمار و جنگ و کشتار می‌گشایند . و میفهمند که برای رسیدن به چنین دنیایی باید متشکل شوند ، متحد شوند و به اشکال مختلف مبارزه دست بزنند و سرانجام با کوبیدن سر این مار هفت رنگ برسنگ ، سرنوشت خود را در دست گرفته و چشم انداز نوینی را در برابر بشریت بگشایند. سال جدید سال تشدید مبارزه طبقاتی است. در این مبارزه برای طبقه کارگر و زحمتکشان جهان پیروزی آرزو مندیم .

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

27 دسامبر 2014

پدیده جهانی خشونت علیه زنان

نوشین شفاهی



بیست و پنجم نوامبر برابر با چهارم آذر ماه روز جهانی رفع خشونت از زنان است.

فارغ از اینکه کدام کشور و تحت سلطه کدام مذهب زندگی می کنند، این حق طبیعی هر زنی است که در خانه و اجتماعی امن و ایمن زندگی کند.

خشونت علیه زنان فقط معضل زنان نیست بلکه معضل یک اجتماع، و اعمال خشونت علیه تک تک آحاد جامعه است. در جوامع اسلامزده و دیکتاتوری درجات این خشونت به مراتب بیشتر و ابعاد گسترده تری بخود میگیرد.

برخلاف آن تعریفی که فمینیستها و رفمیستها از انقیاد زنان و خشونت رسمی و غیر رسمی بر زنان بدست میدهند خشونت بر زنان، صرفاً یک رفتار و ناهنجاری اخلاقی و اقتدار طلبانه از طرف مردان و جامعه مرد سالار نیست که گویا رسماً میخواهد اخلاق نهادینه شده و برابر در جامعه را محکوم کرده و آن ارزشها را به سخره بگیرد، و یا خارج از نرمهای یک سیستم در قدرت، زنان را به انقیاد درآورد. بلکه این پدیده وحشیانه نتیجه و مولود سیستمی است که هم خود موجد این خشونت است و هم بخاطر حفظ حیانتش به آن نیاز دارد و در ابعاد مختلفی آنرا توجیه می کند. در جامعه طبقاتی، خشونت بر زنان بخشی از لمپنیسم فرهنگ سرمایه داریست که از تار و پود فرهنگی این سیستم تغذیه می کند و بخشی از خشونت کلی و همگانی نظام سرمایه داریست.

یک نگاه حتی اجمالی به گوشه و کنار دنیا، چه جوامع غربی و چه جوامع دیکتاتور زده مذهبی ای چون خاور میانه و افریقا نشان

میدهد که خشونت در تمام بافت طبقاتی - اجتماعی این جوامع تنیده شده و در نمودها و قالبهای متفاوتی خود را اشکار می کند. جوامع غربی از قیل مبارزات و مقاومتیهای تاریخی و سازمانیافته زنان و جنبشهای انقلابی، اعمال خشونت اشکال پنهانتر و به درجاتی کمرنگتر یافته در حالیکه دامنه این خشونت در جوامع اسلامزده ابعاد وسیع و وحشیانه تری بخود گرفته است.

مذهب و در شرایط خاص جهان امروز مذهب اسلام، نه فقط خشونت علیه زنان را رسماً تشویق و توجیه میکند بلکه آنرا در قوانین قضایی و آموزشی اش هم نهادینه کرده و به ضرب تهدید و ارعاب، و شکنجه و قتل، آنرا به فرهنگ رسمی و اجباری تبدیل کرده است و به چالش کشیدن این فرهنگ خشونتزرا جرم محسوب شده و به بدترین شکل ممکن سرکوب گشته است.

زنان و کودکان دختر بسیاری در هر گوشه دنیا هر روزه وجه المصالحه اختلافات و جنگهای خونین باندها و شبکه های مافیایی مواد مخدر و یا گانگسترهای مذهبی قرار میگیرند. بختک دمنشان داعش و جنایات هولناکی که بر زنان عراق و سوریه نازل کرده اند شاید یکی از عریانترین توحش در این یکی دو قرن اخیر بوده باشد. ولی نه منحصر بفرد بوده نه اتفاقی. جنایت رژیم جمهوری اسلامی نسبت به زنان که به درازای عمر سیاهش سابقه دارد، همان توحش و همان خشونت را به زنان بشیوه های مختلف

اعمال کرده است. از سنگسار و اعدام گرفته تا تجاوز و کودک آزاری و ضرب و شتم علنی و اشکار. و البته موج اسید پاشیهای اخیر که بدست ایادی خود رژیم فاسد انجام شد. در نقاط دیگر دنیا همچون کلمبیا، مکزیک، آرژانتین، هند، لبنان، پاکستان و افغانستان و جاهای دیگر زنان بسیاری قربانی اسید پاشی و تجاوز گروهی گشته اند و یار بوده شده و هرگز ردی از آنان بجا نمانده است. و این همه در کنار شنیع ترین و دلخراشترین خشونت های سیستماتیک خانوادگی اتفاق می افتد.

مواردی چند از جنایتهای بیشرمانه اخیر در خاور میانه و آسیای جنوبی:

- موج اسید پاشی در اصفهان که متعاقب آن، آب پاشیدن هایی که با انگیزه تمسخر و تحقیر به زنان صورت گرفت و از قیل به وحشت انداختن زنان و ایجاد یک فضای رعب آور ظاهراً با انگیزه یک تفریح مشمنزکننده برای جماعتی از ارادل.

- مسکوت گذاشتن جنایتی که مطابق قوانین شریعه و توسط دادگاه های اسلامی در ارتباط با زنان انجام میشود. این دادگاه ها که به موازات قوانین قضایی دولتی حکم سنگسار، کشتن، مثله کردن و تحقیر زنان در معابر عمومی را صادر کرده و به اجرا میگذارد در ظاهر امر غیر قانونی هستند ولی جنایاتشان بدون کیفر می ماند. نمونه های آن بویژه در کشورها و مناطق اسلامزده ای چون پاکستان و افغانستان و هند فراوان است.

- رُبودن، گروگان گرفتن، تجاوز و خرید و فروش زنان در بازارهای بردگی گانگسترهای اسلامیستی چون بوحرام و داعش و باندهای مافیایی تجارت سکس. - اهانت و بیحرمتی کردن به زنان توسط

انقلاب اکتبر آغاز دوران تاریخی نوین بمناسبت نود و دومین سالگرد انقلاب اکتبر



مهمی در لغو قراردادهای امپریالیستی ایفا کردند. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اکتبر در ۱۴ آذر ۱۲۹۶/ پنجم دسامبر ۱۹۱۷، طی بیانیه ای در خطاب به خلقهای تحت ستم از جمله درباره ایران اعلام کردند

«رفقا و برادران!!

در روسیه حوادث بزرگی در حال تکوین و انجام گرفته است. جنگ خونین کنونی (جنگ جهانی اول) که با نیت تجاوز به سرزمینهای بیگانه و تقسیم خاک ملل دیگر شروع شده، به پایان خود نزدیک می شود. دنیای دیگری پا به عرصه وجود گذاشته است. این دنیا، دنیای رنجبران و ملل آزاد شده است. در پشت سر انقلابی که در روسیه انجام گرفته، حکومتی که مولود اراده‌ی کارگران و دهقانان روسی است، ایستاده است. ای مسلمانان مشرق زمین!! ای ایرانیان! ای ترک‌ها! ای عرب‌ها! ای هندوان! روی سخن ما با شماست: با شما که زندگانی‌تان، جانتان، مالتان و ناموستان قرن‌ها زیر پای غارتگران اروپایی مانده و له شده بود.

ما رسماً اعلام می‌داریم که تمام پیمان‌ها و قراردادهای سری که تزار مخلوع روسیه با انگلستان و فرانسه امضا کرده بود و طبق مفاد آن قرار بود قسطنطنیه (استانبول) پس از خاتمه‌ی جنگ به روسیه داده شود و حکومت مخلوع «کرنسکی» نیز همان قراردادهای را تأیید کرده بود، همگی باطل و کان‌لم‌یکن و از درجه‌ی اعتبار ساقطند.

جمهوری سوسیالیستی روسیه و حکومت که مجری اوامر آنهاست، یعنی شوروی

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و آغاز ساختمان سوسیالیسم در شوروی چشم انداز روشن و امیدبخشی در سراسر جهان و در میان طبقه کارگر و زحمتکشان بوجود آمد و در پی‌کر جنبش کارگری و خلقهای گرفتار استعمار و استثماربردگی جان تازه ای بخشید توده های عظیم کار و زحمت به میدان مبارزه انقلابی گام نهادند بدین ترتیب ایده سوسیالیسم و جهان بینی علمی مارکسیسم و تئوری و تاکتیک انقلاب پرلتری در تمام جهان رسوخ یافت و انقلاب اکتبر همچنین بمثابة سرآغاز یک تحول عمیق فکری در جامعه بشری به ثبت رسید.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر تنها به تغییرات اوضاع جهان به سود تحولات اقتصادی و اجتماعی محدود نشد بلکه عوامل ذهنی ایجاد چنین تحولات انقلابی را در جهان و از جمله در کشور ما ایران فراهم کرد. پیروزی انقلاب اکتبر به بیدایش، تقویت و گسترش نفوذ معنوی و مادی آن نیروهای در جامعه انجامید که بدون وجود و حضور آنها جنبش های اجتماعی آزادیخواهانه و عدالت طلبانه ممکن نمیشد. جنبش خیابانی، جنگل، قیام کلنل محمدتقی خان پسیان، جمهوری شوروی گیلان، تاسیس حزب کمونیست ایران و سایر احزاب مترقی از همان اوان پیروزی انقلاب اکتبر تاثیر آن بوجود آمدند و موفقیت هائی در سطوح مختلف مبارزه علیه ستم و استثمار، استبداد و استعمار از جمله نقش

کمیسرهای خلق، هر دو با تصرف خاک دیگران مخالفند، ما رسماً اعلام می‌داریم که قسطنطنیه مال ترک‌هاست و باید مثل سابق در تصرف مسلمانان باقی بماند.

ما رسماً اعلام می‌داریم که عهدنامه‌ها و توافق‌های پیشین روسیه و انگلستان که ایران را میان دو کشور امپریالیست تقسیم کرده بود، باطل و کان‌لم‌یکن و از درجه‌ی اعتبار ساقطند (قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵) ای ایرانیان! به شما قول می‌دهیم که به محض پایان عملیات نظامی، سربازان ما خاک کشورتان را تخلیه کنند و شما مردم ایران حق داشته باشید که آزادانه درباهی سرنوشت آتی خود تصمیم بگیرید ۱...

رئیس شوراها می‌سرها می‌سرها می‌سرها

کمیسر خلق برای امور ملیت‌ها: استالین»

اما اقدامات دولت نوپای شوروی به اینجا محدود نشد بلکه علاوه بر لغو کلیه قراردادهای اسارتبار روسیه تزاری تعهد کرد که در اخراج نیروهای نظامی انگلیس و عثمانی نیز به ایران کمک کند. اتین اقدامات در تداوم خود که با استقبال وسیع توده های مردم ایران و منطقه مواجه شده بود تمامی سطوح و عوارض استیلا روسیه تزاری بر ایران را دربر گرفت در بیست و ششم ژوئن ۱۹۱۹ پنجم تیرماه ۱۲۹۸ دولت کارگری شوروی در نامه ای رسمی به دولت ایران از جمله اعلام کرد که:

۱- «تمام بدهی‌های ایران مطابق تقبلات زمان تزاری لغا می شود؛
۲- روسیه به مداخله‌ی خود در عواید ایران از قبیل گمرکات و تلگراف‌خانه‌ها و مالیات‌ها پایان می‌دهد؛

۳- دریای خزر برای کشتیرانی در زیر پرچم ایران آزاد اعلام می‌شود؛

4- سرحدات شوروي با ايران مطابق ارادهي سکنه سرحدي معين خواهد شد؛

5- تمام امتيازات دولت روس و امتيازات خصوصي باطل و از درجهي اعتبار ساقط است؛

6- بانك استقراضي ايران با تمام متعلقات، ملك ايران اعلام مي‌شود؛

7- خطوط تلگراف و راه‌هاي شوسه‌ي ساخته شده در طول جنگ به ملت ايران واگذار مي‌شود؛

8- اصول محاکمات و قضاوت سابق کنسول‌ها کلاً باطل مي‌شود؛

9- ميسيون روحاني اروميه منحل مي‌شود؛

10- تمام اتباع روسيه‌ي متوطن در ايران مکلف هستند کليه‌ي عوارض و ماليات‌ها را بالسويه با اهالي تأديه نمایند؛

11- سرحد ايران و روس براي عبور آزاد و حمل مال‌التجاره باز مي‌شود؛

12- به ايران اجازه‌ي ترانزيت مال‌التجاره از روسيه داده مي‌شود؛

13- دولت روسيه از هرگونه مشارکت در تشکيل قواي مسلح در خاک ايران صرف‌نظر مي‌نمايد؛

14- دولت روسيه به ملغي شدن کارگزارهاي رضاييت مي‌دهد؛

15- به ايران اجازه داده مي‌شود که در کليه‌ي شهر و بخش‌هاي شوروي کنسول تعيين نمايد. «

بدین ترتیب جمهوری جوان شوراهان تنها با اعلام پشتیبانی خود از مبارزات آزادیخواهانه و ضد استثماری و ضد استعماری کارگران و زحمتکشان آنها را در مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم یاری رساند بلکه راساً با لغو یکجانبه کلیه قراردادهای اسارت‌بار و مزایا و امتیازات امپراطوری روسیه و پشتیبانی

از مبارزات آزادیخواهانه و ضد استثماری کارگران و دهقانان ایران نفوذ معنوی عمیقی در دل کارگران و زحمتکشان کسب کرد و نام لنین رهبر انقلاب اکتبر بمنزله مدافع حقوق کارگران و زحمت کشان و سمبل آزادی و دادگری تادورترین محل کار و زندگی شهرها و روستاها درآید. انقلاب اکتبر که اولین قدرت کارگری را در کره زمین برپا ساخته بود و نخستین دولت سوسیالیستی و سرآغاز گزار از سرمایه داری به جامعه ای فارغ از استثمار و طبقات و فارغ از ستم و تبعیضات و هرگونه بی عدالتی را به جامعه بشری نوید داد از همان آغاز مورد نفرت سرمایه دارها و کشورهای امپریالیستی قرار گرفت بیش از 14 کشور امپریالیستی مشترکاً بقرای نابودی کشورنوبنیاد کارگران و دهقانان وارد عملیات شدند و برغم مقاومت و مبارزه بی نظیر کارگران و زحمتکشان اتحاد شوروی اما این جنگها دو توطئه‌ها برای به زانو درآوردن انقلاب اکتبر و نتایج و پیامدهای آن همچنان ادامه یافت. انقلاب اکتبر با همه دشواریهای درونی و بیرونی به آنچنان موفقیت‌هایی در امر آموزش و پرورش، پیشرفت‌های علمی صنعتی و تأمین کار و مسکن و بهداشت و زندگی عاری از ستم و استثمار و کثافات سرمایه داری بدست آورد که برغم از هم پاشی اتحاد شوروی دست‌های آن برای بشریت قابل برگشت نیست

اکنون درحالی نودودومین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر را گرامی میداریم که این انقلاب با طی فراز و نشیب‌های فراوان و تحمل جنگهای خانمانسوز و ویران کننده از سوی قدرت‌های سرمایه داری و

ارتجاع جهانی سرانجام زیر فشارهای بیرونی و انحرافات درونی با شکست مواجه گردیده است درحالیکه آرمانها و دست‌آوردهای اکتبر و خواست‌ها و مطالبات مطروحه آن هم اکنون خواست طبقه کارگر و میلیاردها انسان زحمتکش روی زمین است که تحت اسارت نظام سرمایه داری به سر می‌یبرند. و برای رهایی از یوغ سرمایه داری و تبعات آن همچون جنگ و گرسنگی، بیکاری و بی مسکنی فقدان بهداشت، آوارگی، اعتیاد، تبعیضات نژادی، جنسی، ملی و غیره مبارزه کرده و از طبقه کارگر و انقلابیون گذشته الهام می‌گیرند طبقه کارگر و همه زحمتکشان و آنهاییکه در بند نظام جهنمی سرمایه اسپرند با ملاحظه تاریخ پرفراز و نشیب جنبش کارگری و سوسیالیستی باید از شکست‌ها و پیروزی‌های خود در سراسر جهان از جمله شکست شوروی درس گرفته و با روحیه ای انقلابی‌تر و آگاهی و تجربه فراتر به نبرد علیه سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم همت گمارند. فراموش نکنیم که انقلاب اکتبر آن چنان رویداد اجتماعی در تاریخ بشریت است که عظمت آن با هرگام بشر در راه سعادت و پیشرفت اجتماعی و بنای یک جامعه فارغ از ستم و استثمار به نحو درخشانتری نمایان میگردد. ((خ- عمواغلی))

**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ،
واژگونی جمهوری اسلامی بمثابه
برجسته ترین تکیه گاه نظام
سرمایه داری حاکم بر ایران و سر
سخت ترین دشمن آزادی طبقه
کارگر و جایگزینی آن توسط
جمهوری فدراتیو شورایی را
وظیفه عاجل خود می داند .**

اوضاع کردستان و روند مبارزات توده های زحمتکش کرد در سوریه در گفتگو با رفیق سالار حسامی از اعضای کمیته کردستان

کار : رفیق حسامی طی چندسال گذشته در عراق و سوریه تحولاتی رخ داده است که تأثیرات این تحولات در کردستان عراق ، ترکیه و سوریه به مطرح شدن مسئله استقلال در اقلیم کردستان ، شکل گیری کانتون های سه گانه در کردستان سوریه ، حمله نیروهای «دولت اسلامی عراق و شام» به کوبانی و مقاومت نیروهای مسلح مردمی و نیز تظاهرات گسترده در شهرهای کردستان ترکیه شد.

قبل از اینکه پرسش های خودمان را پیرامون تحولات فوق با شما در میان بگذاریم ابتدا برای اطلاع خوانندگان نشریه میخواستیم بصورت خلاصه مواضع سازمان پیرامون این تحولات را توضیح دهید اشاره میکنم که در سال 1389 کنگره پنجم سازمان گزارش سیاسی را تصویب کرد که در آن موقع از طرف شورای مرکزی سازمان به کنگره پنجم ارائه شده بود و در بخشی از گزارش که به منطقه مربوط بود تحلیلی ارائه شده بود که براساس آن تحلیل چنین تحولاتی قابل پیشبینی بود از طرفی کمیته کردستان سازمان هم به این کنگره قطعنامه ای پیشنهاد کرد که در آن نیز اوضاع منطقه وضعیت احزاب سیاسی و راستای همکاریهای ما با دیگر نیروها تجزیه و تحلیل شده بود و این قطعنامه هم به تصویب رسید و در این رابطه راه کارهای عملی هم پیشنهاد شده بود. سوال اول من این است که با توجه به تغییر و تحولات صورت گرفته در منطقه ،

این تحلیل ها تا چه حد با روند بعدی وقایع در کردستان همخوانی داشته است ؟ پاسخ - با درود به شما و خوانندگان عزیز نشریه کار بگذارید قبل از تحلیل وضعیت تغییر و تحولات منطقه و اینکه میزان همخوانی تحلیلهای گذشته را با تحولات بعدی بررسی نماییم قدری در مورد خود این تغییر و تحولات و مواضع گذشته و حال به بحث و بررسی بپردازیم .

سه سال پیش و در اولین مراحل شکلگیری قیام و انقلاب در غرب کردستان و یا همانی که به آن اصطلاحاً کردستان سوریه گفته میشود کمیته کردستان سازمان ضمن ارائه قطعنامه پیشنهادی به کنگره سازمان ضمن تحلیل شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بخشهای مختلف کردستان و بخصوص غرب کردستان (کردستان سوریه) خواهان حمایت از جنبش توده ای در این بخش کردستان و همکاری با نیروهایی شد که رهبری این جنبش را بعهد گرفته اند . در این تحلیل ما با ارزیابی اینکه در این مرحله از جنبش چنین نیروهایی بطور مشخص PKK و YPG از چه خاستگاه طبقاتی برخوردار بوده و منافع چه قشر اجتماعی را نمایندگی میکنند ، آنها را انقلابی ارزیابی نموده و خواهان ایجاد اتحاد عملی دمکراتیک با این جریانات در عرصه های عملی جنبش کردستان شدیم . البته چنین موضعی میتوانست و میتواند و خواهد توانست نیروهای اجتماعی کردی که

تأثیرات فکری از PKK گرفته اند را در دیگر بخشهای کردستان از جمله شرق کردستان (کردستان ایران) و PJAK را نیز شامل گردد . ما در این مورد تحلیل مشخص و روشن داده ایم و حرکتی عملی نیز در این خصوص و بعد از تصویب قطعنامه پیشنهادی ما به کنگره پنجم انجام شده است و فعالیتهای ما نیز حول ایجاد اتحاد عمل دمکراتیک با نیروهای اجتماعی پرو PKK در تمامی بخشهای کردستان در حال حاضر و در آینده جدی تر و گسترده تر خواهد گردید . انانی که تا دیروز ما را به گرایشات ناسیونالیستی متهم میکردند میبینیم که امروزه و با پیروزیهای جنبش مسلحانه توده ای در عرصه های سیاسی و نظامی در کوبانی بدون نام بردن از نیروهایی که سازمانده و رهبری کننده این جنبش هستند در اطلاعیه ها و بیانیه ها و فراخوانهای متعدد از ان حمایت میکنند . ما به آنچه گفته ایم ایمان داریم و خود را موظف به اجرای ان میدانیم البته برخی کمبودها برای اجرای طرحهایمان وجود داشته که بنا به ویژگی درون تشکیلاتی بودن آنها و عدم پرداختن به این مقوله در این بحث اما بابیستی در اسرع وقت برطرف شده و در خصوص ایجاد اتحاد عملی دمکراتیک با نیروهای مورد نظر گام برداشت .

و اما در مورد ماهیت خواستها و مطالبات در بخشهای کردستان باز هم تحلیل ما در خصوص لزوم حمایت از مدل غرب کردستان و خود مدیریتی دمکراتیک در این بخش که آنرا در مقایسه با مدل استقرار یافته در جنوب کردستان (کردستان عراق) تحت نام حکومت اقلیم ، دمکراتیک ارزیابی کرده و میبینیم که برنامه دمکراتیک این کانتونها در اداره امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی با آنچه در جنوب کردستان و در

و در طی 23 سال حاکمیت احزاب ناسیونالیستی حاکم بوده کاملاً متفاوت بوده و ما نیز بر جنبه های دموکراتیک این مدل تاکید کرده و میکنیم و بر همین اساس است که در سالگرد اعلام کنتونها در غرب کردستان سازمان نیز پیام تبریک به توده های مردم کرد در کردستان بطور عام و بطور اخص توده های مردم کرد در غرب کردستان فرستاد و دستاورد عظیم کردها در غرب کردستان را ارج نهاد. آنچه که امروزه در برخی بخشهای کردستان و از جانب نیروهای فاقد برنامه های دموکراتیک تحت عنوان استقلال مطرح میگردد میتواند از دو جنبه مورد تحلیل قرار گیرد. اول اینکه استفاده تبلیغاتی از آن کرده و به این طریق در صدد تهییج احساسات توده ها گردند تا نیروهای به هیجان آمده را در شرایط کنونی جذب نموده و در آینده به مصاف نیروهای دموکراتیک و بخصوص انقلاب غرب کردستان رفته و آنرا با شکست مواجه کنند. و دوم اینکه سیاستهای این جریان حاکم در جنوب کردستان در خصوص استقلال بیشتر با سیاستهای امپریالیسم و استراتژی آن در منطقه هماهنگ است تا با اراده و خواست توده های مردم کرد. و این یکی دیگر از وجوه فرق و تفاوت مدل دموکراتیک در کردستان سوریه با کردستان عراق است. خواست و اراده توده ها و عمل نیروهای اجتماعی در این راستا هستند که ما را موظف به اتحاد و مشارکت با آنها در این خصوص میسازد و نه سیاستها و برنامه های دول امپریالیستی و ارتجاعی منطقه.

بنابراین با توجه به آنچه ذکر شد ما بر ایجاد اتحاد عمل با جریان PKK و دیگر جریاناتی که از این جریان تاثیر فکری گرفته اند در تمامی بخشهای کردستان با

حفظ استقلال طبقاتی خویش تاکید میورزیم و گامهای عملی نیز در این رابطه برداشته و در آینده نیز با توان بیشتری در اینمورد عمل خواهیم نمود.

کار- رفیق سالار سازمان اتحادفدائیان کمونیست خود را یک سازمان پرولتری و کمونیست میدانند. ترکیب طبقاتی آن چه در داخل و چه خارج کشور عمدتاً کارگران پیشرو و کمونیست را دربرمیگیرد. هدف آن سرنگونی بورژوازی حاکم و قدرت سیاسی آن چه در پوشش حکومت مذهبی و چه غیر آن و برقراری جمهوری فدراتیو شورائی و استقرار سوسیالیسم در ایران است. سنوالات این است که چنین سازمانی از نقطه نظر وظایف پرتاریا در قبال سایر جنبشهای اجتماعی، در این اتحاد عمل ها چه هدفی را دنبال میکند.

پاسخ - این درست است که ما خود را یک جریان پرولتری میدانیم و هدف ما سرنگونی سیستم سرمایه داری حاکم و برقراری حاکمیت پرولتاریا است اما این ناقص فعالیت و تلاش ما برای تحقق مطالبات دموکراتیک دیگر اقشار اجتماعی تحت ستم و بخصوص ملیتهای تحت ستم ساکن در ایران نبوده و نخواهد بود. هدف ما علاوه بر رهایی طبقه کارگر و محور نظام طبقاتی مبتنی بر بهره کشی رهایی عموم خلق تحت ستم است و این زحمتکشان و ملیتهای تحت ستم را نیز شامل میگردد. ماهیت جمهوری فدراتیو شورایی نیز در همین است که علاوه بر شورایی بودن سیستم اداره امور اقتصادی - سیاسی و اجتماعی در برگیرنده تضمین حق تعیین سرنوشت ملل تحت ستم در هر شکل آن حتی تا سر حد جدایی است. علاوه بر اتحادهای طبقاتی برای تحقق خواستها و مطالبات دموکراتیک که هیچ منافاتی با

خواستههای طبقه کارگر نداشته و ندارد ما بایستی وارد اتحاد عملهای دموکراتیک با جریاناتی شویم که در چهارچوب تحلیلهای طبقاتی ما در صف انقلاب جای دارند.

کار - رفیق حسامی حدود شش سال پیش قطعهنامه ای در کنگره سازمان به تصویب رسید که شروط سه گانه ای را برای اتحاد عمل با احزاب و سازمانهای مختلف ملل تحت ستم ایران تعیین و پیشنهاد داده بود. محور اصلی این قطعهنامه این بود که هر جریانی که در مبارزه برای رفع ستم ملی همزمان علیه ستم جنسی و طبقاتی هم جهت گیری کرده و مبارزه کند ما حاضریم با آنها وارد اتحاد عمل بشویم.

در آن زمان جریاناتی با این موضع گیری اعلام موافقت کرده و خواستار مذاکره شدند بطور مثال فرقه دموکرات آذربایجان از جمله آنها بود. اما سازمان وارد مذاکره با آن نشد. سوال این است که در این اتحاد عمل و همکاری مشترک فکر میکنید جریانی مثل پ ک ک. ی. پ. گ. پ. ژاک..... چه تفاوتی با فرقه دموکرات دارد و تا چه حد با مواضع اعلام شده در قطعهنامه مصوب کنگره چهارم در باره اتحاد عمل و همکاری با جریاناتی که برای رفع ستم ملی مبارزه میکنند همخوانی دارند.

پاسخ - اساس اتحاد عمل ما با جریانات خرده بورژوازی انقلابی بر مبنای تحلیل طبقاتی ما شکل میگیرد. اتحاد عمل دموکراتیک برای رفع ستم ملی از چهارچوبی که برنامه سازمان برای ما روشن کرده و خارج از استقلال طبقاتی هیچگاه مورد نظر ما نبوده و نیست. ما در تحلیلمان جریانات پرو پ - ک - ک را جریاناتی با خاستگاه طبقاتی خرده بورژوازی انقلابی که منافع قشر فقیر و



تهیدست و میانی خرده بورژوازی را نمایندگی میکنند ارزیابی نموده و در مرحله کنونی ما موظفیم با این جریانات حول حل مسئله ملی که در گرو سرنگونی حاکمیت تمامیت خواه و متمرکز گرای کنونی است وارد اتحاد عمل شویم! و اما اینکه چرا با فرقه وارد اتحاد عمل نشدیم بیشتر به جنبه پراتیکی مسئله برمیگردد.

فرقه دمکرات در مقابله با جریانات پان ترکیست و ناسیونالیست افراطی از حد مبارزه تئوریک پافراتر نگذاشته و دچار خرده کاریهایی گشته که میدان را برای گسترش و اشاعه افکار ناسیونالیستی افراطی باز گذاشته است. اما در مورد جریانات پرو پ - ک - ک میبینیم که ضمن ارائه برنامه دمکراتیک اجتماعی - سیاسی زمینه حضور و مشارکت دیگر ملیتها و اقلیتها در اداره امور سیاسی و اجتماعی فراهم گشته است. هم اکنون در صفوف دفاعی نیروهای نظامی و خود مدیریتی کانتونهای کردستان سوریه دیگر ملیتها و اقلیتهای جامعه دوشادوش کردها در حال فعالیت هستند. در ثانی در شرایط کنونی قبلا هم تاکید نمودیم که برای مقابله با مدلهای سیاسی - اجتماعی طرح ریزی شده در منطقه وظیفه ما حمایت از مدل خود مدیریتی دمکراتیک در غرب کردستان است که میتواند کل منطقه را تحت تاثیر خویش قرار داده و تحولات مثبتی را در روند پیشبرد جنبش موجب گردد.

کار - فکر میکنید همکاری مشترک با این جریانات، تا چه حد به روند ارتقاء سطح آگاهی و سازمانیابی توده های کارگر و زحمتکش یاری خواهد رساند؟

پاسخ - همکاری و اتحاد عمل با این جریانات در جهت گسترش و بسط قوانین مصوبه مربوط به برابری حقوق زنان و

مردان و حقوق دمکراتیک توده ها از جمله حق تعیین سرنوشت در قالب کنفدرالیسم دمکراتیک میتواند جنبه ناسیونالیسم و ارتجاع حاکم در منطقه و تفکرات پوسیده و ارتجاعی را به چالش جدی کشیده و طبقه کارگر را در امر جذب متحدین خویش برای مبارزه طبقاتی یاری رساند.

کار - رفیق حسامی به عنوان آخرین سوال ، همانطور که میدانید تاکنون اتحاد های مختلفی مشتمل بر احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست ایرانی شکل گرفته است مثل اتحاد چپ کارگری ، اتحاد انقلابی نیروهای چپ و کمونیست که عمدتا یا ناکامی مواجه شده و بعد از سالها تلاش برغم دست آوردهائیکه داشته اما دوام نیاورده اند . اکنون اتحاد دیگری شکل گرفته است که تا کنون سه نشست برگزار کرده و در موارد مختلفی موضع گیریهای مشترک و آکسیونهای متعددی هم برگزار نموده است در شکلگیری این اتحاد ها سازمان فدائیان کمونیست نقش مهمی برعهده داشته است یعنی همواره در جهت پاسخ دادن به ضرورت اتحاد ها و اتحاد عمل ها پیش قدم

بوده و علیرغم موانع متعدد از تلاش کوشش باز نه ایستاده است معینا هنوز با اهداف منتج از این اتحاد ها فاصله زیادی است با این تجربیات تا چه حد میشود امید وار بود که چنین تلاشهایی با نیروهای مورد اشاره شما به نتیجه مطلوب برسد؟

پاسخ - آنچه که در پایداری و دوام اتحادها نقش اساسی را ایفا میکند پراتیک و کوشش در اجرای مصوبات و یا مواردی است که جریانات بر سر آن متحد گشته اند. صرف اتحاد بر روی کاغذ و یا ارائه تئوری هیچ اتحادی هرچند هم اصولی باشد پایدار و مستحکم نخواهد بود. آنچه که امروزه جنبش و جریانات انقلابی به آن محتاجند پراتیک است. اساس حقیقت همواره عمل است. جریاناتی که ما بر اتحاد عمل دمکراتیک با آنان اصرار میورزیم به تجربه ثابت نموده اند که به کار عملی ارزش قایل هستند و ما هم در این شرایط حساس کنونی عمل و پراتیک را تنها راه برون رفت از شرایط خفه کننده حاکم میدانیم و با اراده مستحکم درصدد اجرای آنچه هستیم که عمیقا به ان باور داریم.

مبارزه برای خواست های عمومی دموکراتیک و پیش برد پیگیر و رادیکال آن ، از مبارزات طبقه کارگر برای آزادی و برابری جدائی ناپذیر است ، به این منظور طبقه کارگر میباید ضمن حفظ استقلال طبقاتی خود به سازماندهی خواستهای عمومی ، دموکراتیک در سطح وسیعتری اقدام کند و بسهم خود در جهت وحدت بخشیدن به این مبارزات در اشکال خاص خود ، نظیر جنبه مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک و اتحاد عمل های مقطعی و سازماندهی نشریات و تشکل های دموکراتیک کوشش کند ...



گفتگو با صالح مسلم از رهبران کانتون های کردستان سوریه

مذهبی منطقه، عرب ها، ترکمن ها، آسوری ها، ارمنی ها، مسیحیان و کردها، ساختار سیاسی جمعی را برای سه کانتون با توافق روی کاغذ که نامش را قرارداد اجتماعی ما گذاشتیم، ایجاد نمودیم.

ما شورای مردم را با صد و یک نماینده ی تعاونی ها، کمیته ها و مجامع سه کانتون روژاوا تشکیل دادیم.

هر یک از واحدهای سیاسی دارای دو رهبر است که یکی اشان زن و دیگری مرد است. چهل درصد اعضای نمایندگی در ساختارهای گوناگون زن هستند تا برابری جنسی در تمام اشکال زندگی عمومی و نمایندگی سیاسی رعایت گردد.

ما جزاً دموکراسی بی دولت را ایجاد کرده ایم. این آلترناتیوی بی همتا در منطقه ای است که آماج کشمکش های ارتش آزاد سوریه، رژیم بشار اسد و دولت خودخوانده ی اسلامی قرار گرفته است.

روش دیگر برای ارجاع به مفهوم کنفدرالیسم دموکراتیک یا خودگردانی دموکراتیک دموکراسی رادیکال است که هدفش بسیج مردم است تا خودشان امور خود را به دست بگیرند و از خود دفاع نمایند، آن هم با سلاح های خودشان همچون واحدهای دفاع از مردم (YPG) و واحدهای دفاع زنان (YPJ). ما خواهان خودحکومتی به معنای خودگردانی و خود سازماندهی بدون دولت هستیم. اشخاصی هستند که از خودگردانی نظری سخن می گویند، اما برای ما خودگردانی در انقلاب هر روزه ی ما تبلور می یابد. زنان، مردان و همه ی گروه های جامعه ما از این پس سازماندهی شده اند. اگر کوبانی تاکنون سقوط نکرده

است، به این علت است که ما چنین ساختارهایی را ایجاد کرده بودیم .
پرسش: در سخنان شما، واژه های «دموکراسی»، «آزادی» و «انسانیت» اغلب شنیده می شوند. آیا می توانید توضیح دهید که از نظر شما، چه تفاوتی میان دموکراسی سرمایه داری و آن چه شما خودگردانی دموکراتیک می نامید، هست؟

پاسخ: همگان می دانند که دموکراسی سرمایه داری چگونه برای رأی گیری خیمه شب بازی راه می اندازد. در این دموکراسی انتخابات به بازی شباهت دارد. انتخابات پارلمانی در بسیاری از کشورها جنبه ی تبلیغاتی دارند و منافع مستقیم و شخصی رأی دهنده را مدنظر قرار می دهند. خودگردانی دموکراتیک به درازمدت نظر دارد. خودگردانی دموکراتیک مصر است که مردم نه فقط حقوق خود را بفهمند بلکه آن ها را مستقیماً عملی نمایند. آن چه در قلب خودگردانی دموکراتیک قرار دارد، سیاسی شدن جامعه است. جوامعی در اروپا وجود دارند که سیاسی نیستند. احزاب سیاسی در این جوامع اقتناع و منافع فردی را هدف خود قرار می دهند و از رهایی واقعی و سیاسی شدن جامعه می گریزند. دموکراسی واقعی بر پایه جامعه سیاسی شده قرار دارد. اگر شما به کوبانی بروید و مبارزان واحدهای دفاع از مردم (YPG) و واحدهای دفاع زنان (YPJ) را ملاقات کنید، متوجه خواهید شد که ایشان به خوبی می دانند که برای چه و علیه چه مبارزه می کنند. برای پول یا منافع شخصی خود مبارزه نمی کنند. آن جا هستند تا از ارزش های پایه ای دفاع نمایند، ارزش هایی که در آن واحد به مرحله ی عمل درمی آورند. تفاوتی بین آن چه می کنند و آن چه می اندیشند، نیست.

صالح مسلم محمد، یکی از رهبران حزب اتحاد دموکراتیک (YPD)، نماینده ی جوامع مستقل روژاوا (کردستان سوریه) و تشکلات مسلح آن، واحدهای دفاع از مردم (YPG) و واحدهای دفاع زنان (YPJ) به هلند آمد. درباره ی مبارزه در رژاوا علیه دولت اسلامی (داعش سابق) و گسترش خودگردانی دموکراتیک در جریان انقلاب روژاوا اطلاع رسانی کرد. هنرمند هلندی Jonas Staal مصاحبه ای با صالح مسلم محمد انجام داد که در زیر برگردانش آمده است.

پرسش: شما در کنفرانس مطبوعاتی امروزتان صریحاً اعلام کردید که مبارزه در روژاوا به جنگ علیه دولت اسلامی خلاصه نمی شود. مبارزه برای یک نظر سیاسی مشخص نیز هست که نامش خودگردانی دموکراتیک است. خودگردانی دموکراتیک که در قلب انقلاب روژاوا قرار گرفته، چیست؟

پاسخ: دلیل اصلی حمله به ما، مدل دموکراتیکی است که ما در منطقه امان به مرحله ی اجراء گذاشته ایم. دولت ها و نیروهای محلی متعددی دوست ندارند که چنین مدل دموکراتیک آلترناتیوی در روژاوا گسترش یابد. آن ها از مدل ما می هراسند. ما موفق شدیم در طی جنگ داخلی سوریه سه کانتون مستقل در روژاوا ایجاد نماییم که با شیوه ای دموکراتیک و خودگردان اداره می گردند. ما با همه ی اقلیت های قومی و



پرسش: چگونه می توان جامعه ای را در

چنین سطح بالای آگاهی سیاسی قرار داد؟

پاسخ: باید جامعه را بیست و چهار ساعته آموزش داد تا بتواند بحث کند و جمعی تصمیم بگیرد. شما باید این نظر را فراموش کنید که باید منتظر رهبری بود که بیاید و به مردم بگوید چه باید بکنند. به جایش باید مردم یاد بگیرند که خودگردانی را همچون عمل جمعی به مرحله ی عمل درآورند. مسائل روزمره مربوط به ما باید توضیح داده شوند، نقد گردند و جمعی حل شوند. این مسائل می توانند از جغرافیای سیاسی منطقه تا ارزش های انسانی پایه ای را دربرگیرند. همه ی این مسائل باید مشترکاً مطرح گردند. آموزش جمعی باید به ما یاد دهد که کی هستیم، برای چه دشمنانی داریم و برای چه مبارزه می کنیم.

پرسش: چه کسی در جامعه ای که در جنگ است و با بحرانی انسانی روبه رو است، آموزگار است؟

پاسخ: مردم خودشان خود را آموزش می دهند. زمانی که شما ده نفر را گردهم می آورید و می خواهید که راه حلی برای مسئله ای ارائه دهند یا پرسشی مطرح می کنید، جمعی تلاش می کنند تا راه حلی بیابند و پاسخی پیدا نمایند. گمان می کنم که این چنین است که راه حل ها و پاسخ های خوبی پیدا می کنند. بحث جمعی است که ایشان را سیاسی می کند.

پرسش: آن چه شما قلب خودگردانی دمکراتیک می نامید جزاً مدل مجمع عمومی است.

پاسخ: بله. ما مجامع و کمیته هایی داریم. ما برای اجرائی کردن خودگردانی در بخش های مختلف جامعه ساختارهایی ایجاد کرده ایم. ————— م.

پرسش: شرایطی که شما در نظر دارید تا

چنین تجربه ی دمکراتیکی بتواند عملی

شود، چیستند؟

پاسخ: این روندی طولانی است. من خود چندین دهه در این مبارزه شرکت داشته ام و حتا به زندان افتادم و شکنجه شدم. افرادی که دور و بر من هستند خوب می دانند که چرا من چنین می کنم. من این کارها را برای پول جمع کردن و منفعت شخصی نمی کنم. دولت سوریه مرا بازداشت کرد و شکنجه نمود چرا که متوجه شد که دارم مردم را برای خودگردانی آموزش می دهم. البته بسیاری از دوستان من به همین سرنوشت دچار شدند. برخی از ایشان جان خویش را زیر شکنجه از دست دادند. خودگردانی دمکراتیک نظری نیست که بتوان یک روزه عملی کرد، روندی است که با توضیح و آموزش پیش می رود، انقلابی است که تمام عمر ما به درازا خواهد کشید.

پرسش: دانشجویان، روشنفکران و

هنرمندان بسیاری رویدادهای روژاوا و به

ویژه کوبانی را دنبال می کنند و به این باور

می رسند که انترناسیونالیسم بدون دولت به

نوعی راه بازگشتی را در دوران ما بازیافته

است. شما به مردمی که در روژاوا نیستند،

اما انقلابش را در افق می بینند چه می

گویید؟ ایشان چه می توانند انجام دهند؟

پاسخ: به کوبانی بروید، با مردم آن جا دیدار

کنید و به حرف هایشان گوش فرا دهید تا

دریابید چه مدل سیاسی را ایجاد کرده اند. با

نیروهای واحدهای دفاع از مردم (YPG) و

واحدهای دفاع زنان (YPJ) گفت و گو کنید و با فعالیت هایشان آشنا گردید. شرایط برای رفتن شما به آن جا در آینده ای نزدیک آماده خواهد شد تا شما بتوانید بیش تر با خودگردانی دمکراتیک آشنا شوید و دریابید که مردم در چه شرایط تصورناپذیری و با چه تهدیدهایی و با چه کمبودهای نان و آبی از آن دفاع کردند. بروید با مردم گفت و گو کنید تا دریابید مردم چگونه خودگردانی دمکراتیک را به مرحله ی اجراء درآوردند و اکنون جامعه به چه شباهت پیدا کرده است.

پرسش: آیا به نظر شما خودگردانی

دمکراتیک الگویی است که بتوان در سطح

جهان عملی نمود

پاسخ: گمان می کنم که اداره ی دمکراتیک

جامعه که ما به اجراء گذاشته ایم شیوه ای

است که همگان می توانند استفاده کنند، لذا

پاسخ به سؤال شما مثبت است. پیش داوری

های زیادی در رابطه با انقلاب ما موجود

بود، اما زمانی که کسانی که خارج آمدند و

خود مشاهده نمودند که مردم در نقاط

مختلف چگونه زندگی می کنند، دریافتند که

خودگردانی دمکراتیک آلترناتیو خوبی

است. کسانی این چنین حتا از دمشق به

انقلاب ما پیوستند. هر کس که مایل است

می تواند بیاید و ببیند که انقلاب ما هر روز

جریان دارد. انقلابی است برای زندگی و به

همین علت مبارزه ی ما مبارزه ای است

برای انسانیت.

با کمک های مالی خود سازمان اتحاد

فدائیان کمونیست را یاری رسانید .

شماره حساب :

NL 18 ABNA 0482003227

ALI hassanlu

دیدگاه ها



تبریز جهنم کارگران

درنامه یک کارگر

احمد ناب دل - از کارگران تبریز

با توجه به وضعیت سرسام آور گرانی ها و تورم در سالهای اخیر وضعیت معیشتی کارگران واقعا "اسفناک است وقتی حقوق کارگری چند برابر کمتر از خط فقر است حتی آن تعداد از کارگرانی را که کار میکنند با وجود کارکردن قادر به تامین اولیه ترین و اساسی ترین نیازهای زندگی خود نیستند و

برای امرار و معاش و به دست آوردن پولی که بتواند جوابگوی نیاز اقتصادی آنها باشد تن به استثمار بیشتر میدهند ساعات کاری خود را افزایش میدهند و تعدادی نیز مجبورند چند کار را انجام دهند تن به امضای قراردادهای موقت و سفیدامضا بدهند تا بلکه شرمند خانواده خود نباشند و حداقل از عهده نان شب برآیند در شهری مثل تبریز وضعیت به مراتب بدتر از سایر شهرها است عدم وجود تشکل های کارگری مستقل و آگاه نبودن کارگران از حقوق اولیه خود باعث شده است کارفرمایان تا میتوانند بهره کشی و استثمار کنند و زندگی روز به روز به کام کارگران این شهر تلخ تر میشود بیکاری معضلی است که بیداد میکند و کارگر جویای کار مجبور است کاری را که به دست آورده است با چنگ و دندان حفظ کند و هرگونه بیحقوقی را برای سیر کردن شکم خانواده اش تحمل کند و کارفرماها از این شرایط بیشترین استفاده را میکنند تا روز به روز بیشتر بر ثروت خود بیافزایند

به قیمت استثمار کودک و زن و مرد کارگر در واحد تولیدی کارگاه یا هر محیط دیگر کاری وقتی حرف از بیمه میزند تهدید به اخراج میشود وقتی بازرس بیمه برای سرشماری و بیمه اجباری کارکنان به محل کار مراجعه میکند کارگر را مجبور به مخفی شدن از چشم او میکنند و در خوشبینانه ترین حالت کارفرما میگوید اگر بخواهی بیمه شوی هزینه آن بر عهده خود توست به نحوی کارگر از بیمه شدن منصرف میشود حتی حقوق پایه کارگری نیز نسیب کارگر نمیشود ساعات کارگری در مواردی مثلاً "کارکنان غذاخوری ها رستورانها و واحدهای تولیدی و صنعتی و... بیش از ده ساعت است و خبری از مزد اضافه کاری نیست تعطیلی هفتگی وجود ندارد و این کارگران تعداد روزهای تعطیلی و استراحتشان در طول سال در مواقعی حتی به تعداد انگشتان دو دست نمیرسد آنهم بدون مزد . نبود کار موجب گردیده است کارگری که ناآشنا به حقوق کارگری خود باشد در مقابل این استثمار وحشیانه سکوت کند برای امرار و معاش خانواده اش تن به این کارها دهد حداقل ترین چیزی که یک کارگر به آن نیاز دارد ایمنی و بهداشت محل کار اوست که از آن هم خبری نیست و کارگرانی که به لحاظ شرایط سخت کاری عدم ایمنی و بهداشت در محل کارشان دچار حادثه و آسیب جسمی میشوند مجبورند بقیه عمر خود را در فلاکت و بدبختی بگذرانند. کارگران ساختمانی نمونه این کارگران هستند که بدون هیچ گونه ایمنی محل کاریشان که هرآن امکان بروز حادثه و آسیب جسمی وجود دارد مشغول کار کردن هستند . کارگران ساختمانی بخصوص کارگران ساده کارشان مقطعی و فصلی و در مواردی روزانه است یک هفته در یک

ساختمان کار میکند هفته بعد در محل دیگر. میدانهای در داخل شهر وجود دارد که محل تجمع این کارگران جویای کار است پیش از طلوع آفتاب در این میدانها جمع میشوند و کافرمایان برای بردن کارگر به این میدانها مراجعه میکنند. کارگرانی که نسبت به بقیه از جثه و بنیه قوی تر برخوردارند در این چرخه کار شانس بیشتری برای کار کردن دارند از بین این کارگران فقط تعداد اندکی به محل کار برده میشوند و بقیه تا لنگه ظهر در این میدانها که نمونه آن میدان ساعت است منتظر میمانند تا بلکه کاری نسپشان شود که این اتفاق نیمافتد و با دست خالی به خانه برمیگردند. دوباره روزی از نو وقتی هم جهت کار به محلی برده میشوند خبری از هیچ حقی نیست که این کارگر دارد کارفرما هر موقع دلش بخواهد اخراجش میکند بیمه ای وجود ندارد کاربرد بیمه و هیچ گونه ایمنی صورت نمیگیرد ولی کارگر بافاشراهای اقتصادی زیادی روبروست و شرایط کار را میپذیرد و به استثمار جسمی خود تن میدهد.

در واحدهای تولیدی بزرگتر مثل تراکتور سازی و شیرین عسل که کارگران نشان نسبتاً از کار باثباتی برخوردارند نیز مشکلات و بیحقوقی به نوعی دیگر بیداد میکند با دریافت حقوق فرد نمیتواند از عهده تامین نیازهای زندگی بر بیاید ولی ماهها خبری از حقوق نیست. برای صرفه جویی در هزینه و عدم استخدام کارگر جدید اضافه کاری اجباری گریبانگیر کارگران این واحد ها هست قراردادهای کاری به صورت موقت است و هرگونه اعتراض کارگران به وضعیت موجودشان برابر با اخراج آنهاست و سکوت میکند.



در یک خانواده کارکردن یک

تبریز جهنم کارگران...

نفر کافی نیست هزینه های زندگی در حدی سرسام آور است که حتی کودک و زنان نیز تن به استثمار میدهند و بابتوجه به نگرشهای مردسالارانه ای که وجود دارد کارگران زن از وضعیت به مراتب بدتری از مردان برخوردارند و شرایط کارفرما را برای اشتغال خود میپذیرند حقوق و مزدشان در مواردی نصف حقوق مرد هم نمیشود و کودکان کار که در این شهر توجه هر کسی را به خود جلب میکند در کارگاههای تولیدی و صنعتی در شرایط بد بهداشتی و زیان آور با کمترین حقوق این کو دکان مورد بهره کشی قرار میگیرند.

امکان ندارد اشک در چشمت جاری نشود وقتی این وضعیت کارگران را ببینی که کارفرما برای بردن کارگر به این میدانها میاید دهها کارگر که بین آنها افراد سالخورده و نوجوانان نیز دیده میشوند به سمت وی برای استثمار شدن یورش میبرند. یا کودکانی که در کوچه خیابان با یک بسته آدامس به نوعی به گدایی میکنند زنان و دخترانی که برای تامین زندگیشان تن فروشی میکنند یا زنانی و مردانی که برای امرار معاش به دست فروشی مشغول هستند و صحنه های درگیری این افراد با مامورین شهرداری یا نیروی انتظامی که با زور و مشت و لگد مانع اینکار میشوند احساسات هر بیننده ای را جریحه دار میکند

آری به قیمت استثمار و بهره کشی از کودک وزن سرمایه داران روز بر ثرویشان افزوده میشود و یک کارگر برای گذران زندگی تامین امرار و معاش وسیر کردن شکم خانواده اش در یک محیط بدون هیچ گونه ایمنی و شرایط بهداشتی تن به استثمار وحشیانه میدهد. و هر کسی که بخواهد کوچکترین قدمی در آگاه سازی کارگران

از اولیه ترین حقوق قشری که به آن متعلق است بردارد به شدت سرکوب میشود از کار اخراج میشود با پرونده سازی های مکرر دروغین و اتهامات امنیتی و سیاسی پیشروان و فعالین کارگری روانه زندان میشوند و کارگران حق داشتن تشکلی مستقل که مدافع حقوق آنان و نقش روشنگری در بین کارگران را داشته باشد ندارند. از نمونه این فعالین در تبریز کارگرنزدانی محمد جراحی از اعضای کمیته پیگیری است که هم اکنون در زندان تبریز به سر میبرد.

این وضعیت اسفناک و غیر انسانی کارگران که در بیحقوقی کامل به سر برده و استثمار میشوند حاوی درس و پیامی برایما کارگران است که از کارگران زندانی دفاع و حمایت کرده باید همه تلاش خودرا بکنیم و دست اتحاد بدهیم برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری که بتواند از حقوق اولیه کارگران دفاع کرده و نقش روشنگری و آگاه کردن کارگران از حقوق خود را داشته باشد.

احمد ناب دل - از کارگران تبریز

*** در سوسیالیسم کلیه نیروهای مولد ، اجتماعی می شوند . کار نیز از این امر مستثنی نیست . و در جمهوری فدراتیو شورایی ایران همه شهروندان از حق کار برخوردارند و کار یک وظیفه شهروندی محسوب می گردد . بیکاری در آن مفهومی ندارد و شش ساعت کار در روز ، دو روز متوالی تعطیل در هفته و هفت هفته مرخصی سالانه جزو اولیه ترین مفاد قانون کار است که شامل همه شهروندان قادر به کار به استثنای کودکان زیر 17 سال در شهر و روستاست مگر کار در حین تحصیل جنبه آموزشی داشته باشد .**

*** در جمهوری فدراتیو شورایی ، تأمین بهداشت و ایمنی محیط کار ، ایجاد سالن های سخنرانی ، تأثیر ، کتابخانه ، محل استراحت ، ورزش ، مطالعه و حمام و غیره تضمین میشود . قوانین کار و جزئیات آن توسط شوراهای خود کارگران و زحمتکشان متناسب با محیط کار و شرایط کار تدوین می گردد .**

*** مهاجرین و سایر خارجیان ساکن جمهوری فدراتیو شورایی ایران ، همچون دیگر شهروندان از حقوق کامل شهروندی برخوردارند و حق اشتغال به کار بدون استخدام کار دیگران ، برای آنها تضمین می شود .**

*** شوراهای محلی بدون هیچگونه تشریفات به اینگونه خارجیان حقوق شهروندی و برابر اعطا می کنند .**

*** در جمهوری فدراتیو شورایی ایران ، به کلیه پناهجویانی که بخاطر جرایم سیاسی ، مذهبی ، عقیدتی ، مورد آزار و اذیت قرار گرفته و در خواست پناهندگی می کنند ، پناهندگی اعطا کرده و حقوق کامل شهروندی آنها را برسمیت می شناسد .**

پدیده جهانی خشونت علیه زنان

شوراها و نهادهای مذهبی خارج از دولت. که نمونه اخیر آن را میشود در حکمی که توسط شورای روستایی در شمال هند علیه زنی متهم بقتل صادر شد که به موجب آن صورت این زن را با ذغال سیاه کرده و بعد او را برهنه سوار بر خری دور دهکده چرخاندند.

- و اخبار بیش و کمی که همه حاکی از قربانی کردن زنان دارد در پیشگاه: نظام نکبت آفرین سرمایه داری، مذهب، جنگ، باندها و دسته جات تبهکار صنعت سکس و مواد مخدر.

براستی چرا با اینهمه تلاش و روشنگری و افشاگری و مبارزات بی وقفه کمونیستها و آزادیخواهان و مدافعین حقوق زنان، آمار قربانیان این توحش نه رو به نزول بلکه شکل و فرم جدیدی پیدا کرده است، و حتی نرخ این خشونت در برخی از کشورها که بیش از این کمتر و یا رقیق تر بوده است ابعاد بیشتری پیدا کرده است؟

فشرده و بطور خلاصه میشود رابطه مستقیم افزایش خشونت علیه زنان را (فارغ از عوامل محلی) با این عوامل توضیح داد:

1- عامل اقتصادی

یکی از این عوامل اوضاع سخت و نابسامان اقتصادی است که خود بستر مناسبی برای افزایش میزان جرم و جنایت اجتماعی است و رفتارهای خشونت آمیز را بازتولید می کند.

بدنبال سیاستهای ریاضت اقتصادی و موج فقیرسازی نئولیبرالیسم در بسیاری از کشورهای دنیا، افشار بسیاری از طبقات محروم از لحاظ مالی بسرعت گرفتار بیکاری و تخلیه کامل درآمد شدند. در بیشتر این کشورها هر چقدر نرخ بیکاری افزایش

داشته بهمان اندازه هم میزان خشونت در جامعه بیشتر بوده است. چه در معیار اجتماعی اش و چه در چارچوب خصوصی تر خانوادگی، قربانیان قریب به اتفاق این خشونت زنان و کودکان دختر بوده و هستند.

در این چنین شرایطی، زنان بسیاری برای زنده ماندن به تن فروشی وادار شده اند و دختران کم سن زیادی در ازای اندکی پول به قاچاقچیان سکس فروخته شده اند. محیط و مناسبات حاکم بر زندگی این زنان و کودکان ملو از آزار و اذیت و تجاوز و قتل و جنایت است و این به مراتب، آسیب پذیری این قشر از زنانرا نسبت به زنان دیگر شدت می بخشد.

2- افزایش دامنه مبارزات زنان علیه تعرض به خود

عامل دیگر، وضعیت جنبش برابری طلبانه زنان است. در هر جامعه ای که درجه حق طلبی زنان بیشتر بوده است تلاش برای سرکوب و به عقب کشاندنش هم گسترده تر بوده چه توسط نهادها و ارگانهای رسمی رژیم حاکم، چه توسط باندهای اجیر شده و اشرار که از طرف خود همان ارگانهای دولتی بسیج و هدایت شده اند. در کشورهای اسلام زده ای چون پاکستان و افغانستان و ایران دامنه این پدیده شوم به افراد معمولی جامعه هم سرایت کرده است. مردان این جوامع نه فقط در مقابل زنانی که خواستار حقوق برابرشان در خانه و اجتماع میشوند از اسید برای خفه کردن این زنان استفاده می کنند که از کتک، که از تجاوز، که از سنگسار و قتلهای ناموسی. قوانین قضایی این جوامع که بر اساس شرعیات و فرهنگ ارتجاعی و ضد زن اسلام پایه ریزی شده است، دست این مجرمین را باز گذاشته و توجیه اسلامی می کند و یا اگر بخاطر

اعتراضات عمومی مجبور به پیگرد قانونی آنان گشته ولی با کیفرهای بسیار سبک، موقت و کوتاه مدت این جنایتکاران را برای ارتکاب قتل و حملات جدیدتری به زنان به جامعه باز می گرداند.

جنبش مقاومت زنان ایران هم عمری به دارازای عمر رژیم جمهوری اسلامی دارد. این جنبش نسلهای جدیدتر و متعرض تری را در خود جای داده است که به آن اسانی که رژیم امیدوار بوده است که با قوانین مرد سالارانه و فرهنگ زن ستیزش کنار بیایند، کوتاه نیامده اند.

زنان و دختران جوان ایران هر روزه حجاب اجباری رژیم را با "بد حجابی" به چالش کشیده اند. "بد حجابی" به یکی از معضلات اصلی، همیشگی و چاره نشده رژیم در ارتباط با زنان تبدیل شده است. ولی مقاومت زنان علیه تعرضات رژیم فقط شامل حال عدول از مقررات پوشش نیست بلکه زیر پا گذاشتن مرزها و قوانین اسلامی حاکم بر عدم تعامل با پسران جوان، مهمانی رفتن و تفریح داشتنهای مختلط و کلا از لذت بردن و تفریح کردن و شاد بودن بوده است. در تمام این موارد جوانان بویژه زنان لاینقطع دست به تمرد علنی زده و با ماموران انتظامی درگیری فیزیکی پیدا کرده اند.

واقعیت این است که رژیم نمی تواند میلیونها زن را دستگیر کند و به زندان بیاندازد. نه اینکه نخواهد بلکه سعی هم کرده که خیابانها را از بد حجابها با آن قوانین و مجازات بدحجابی که چند سال پیش تصویب کرد، خالی کند ولی از آنجا که این " بد حجابان" تعداد اندکی نیستند، عملا از مرعوب کردن میلیونها زن و دختر جوان عاجز مانده است.



پدیده جهانی خشونت علیه زنان

موج اسید پاشی در راستای این عجز و در ماندگی رژیم، و موعظه های زمینه ساز برای ضرورت بکارگیری "امر به معروف و نهی از منکر" با ابزارهای جدیدتری، اتفاق افتاد. این ابزار جدیدتر رژیم اسلامی برای مرعوب کردن بد حجابها بود. ولی این جنایت آنچنان اکراه و تنفیری در میان توده ها بوجود آورد که مسئولین رژیم، با شتابی مذبحخانه سعی کردند دستهای پنهان و کثیف خودش را در سازماندهی این عمل شنیع بشوید. همانطور که در قتلهای زنجیره ای کرد، همانطور که در ترورهای مکرر عناصر و چهره های اپوزیسیون کرد، همانطور که در شکنجه ها و تجاوزهای کهریزک کرد، همانطور که همیشه رذیلانه نهان و آشکارا کشته و مٹله کرده است و انکار هم کرده است.

استفاده ابزاری رژیم از این وسیله توسط آدمکشان مزدبگیرش، دلیل دیگری هم دارد. و آن قوانین باز و یا به تعریفی بی قانونی نسبت به دسترسی به مواد شیمیایی ای که پتانسیل آسیب و تخریب بلادرنگ و بیواسطه را دارا هستند. همچنین ارزانی قیمت اسید، هم این ماده را به یک ابزار سهل الوصول برای کشتن و دفرمه کردن زنان بدست عاملین این جنایت تبدیل کرده است و هم فرار کردن و از محل جرم دور شدن را بسیار سریعتر و آسانتر می کند. این دلایل به رژیم اجازه توجیه کردن میدهد که هر کسی میتواند اینکار را انجام داده باشد. رژیم اسلامی رذیلانه توجیه کرد که هر کسی براحتی میتواند برای تسویه حساب شخصی و یا کینه های خصوصی به این چنین اقدام ننگینی روی آورد که دست رژیم در یافتن این مجرمین آنچنان هم که انتظار میرود، باز نمی گذارد.

3- برآمدن جنبشهای ارتجاعی اسلامی و احیاء فرهنگ بردگی زنان و برابری- ستیزی خونریزانه این دژخیمان اسلام سیاسی نه فقط با قدرتگیری سیاسی اش در خاور میانه و بخشی از افریقا، بلکه با نفوذ در فرهنگ برخی از جوانان معترض به سیاستهای اشغالگری و جنگ طلبانه آمریکا، در دیگر نقاط دنیا، به جنایت و خشونت هار و عریان چهره دیگری داد. از اشرار بوکوحرام و آدمکشان داعش گرفته تا طالبانها و جمهوری اسلامی ها و انواع و اقسام احزاب الله در دیگر نقاط دنیا، اعلام موجودیت خودشان را با قتل و عام و دزدیدن و تجاوز به زنان مَهر زده و جشن گرفته اند.

زنان بسیاری در دستان این اشرار سر بریده شده و یا در بازارهای بردگی فروخته شده و اگر زنده مانده اند در ایران و هند و پاکستان قربانی اسید شده اند. زنان در این جوامع غنائم جنگی محسوب میشوند. کنیز و ابزار نیازهای جنسی هستند. بجرم ساحرگی زنده زنده در آتش سوزانده میشوند(اشاره به 7 زنی است که در تانزانیا

در سال جاری به این جرم در آتش سوختند).

هر آنچه ابزار و آلت و شیوه تخریب کننده در دنیا یافت میشود، در گوشه گوشه این دنیا علیه زنان بکار گرفته شده و موضوع اعمال خشونت علیه زنان را به پدیده جهانی و همه گستر تبدیل کرده است.

ولی درجه، دامنه و تکرر آن در کشورهای اسلام زده به مراتب بیشتر بوده که آنهم بواسطه قوانین شرعی- مذهبی امری عادی و پیش بینی شده توجیه گشته است و فرهنگ مردسالارانه حاکم، مقصر اصلی را خود زنان قربانی معرفی می کند. پرونده سازی ریحانه جباری و بدار اویختنش توسط آدمکشان رژیم اسلامی یکی از صدها نمونه اخیر این مورد است.

در نگاه این اشرار، این زنان هستند که نرمهای مذهبی و شرعی را بهم ریخته و موجبات این خشونت را بوجود آورده اند. اگر "بد حجاب" هستند، اگر مورد تعرض جنسی قرار گرفته و از خود به دفاع بلند میشوند، اگر مثل آن دندانپزشک عراقی بیمار مرد قبول میکند، اسید و دار



جمهوری شورایی . آغاز جامعه به ساختمان سوسیالیسم است . در سوسیالیسم مالکیت خصوصی بورژوائی بر ابزار تولید و مبادله اجتماعی می شوند . اقتصاد از طریق تولیدکنندگان آزاد و متشکل سازمان می یابد .

با وجود اینکه مالکیت ابزار تولید و مبادله به مالکیت اجتماعی در میاید . اما این امر یک شبه صورت نمی گیرد . دوران ساختمان سوسیالیسم سرشار از تحولات و پیشروها و عقب نشینی هاست . در جمهوری شورایی با توجه به اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران و با در نظر گرفتن شرایط و مناسبات حاکم . از سلب مالکیت کنندگان سلب مالکیت می شود و در اختیار صاحبان واقعی . یعنی تولیدکنندگان متشکل در شوراها و نهادهای مردمی قرار می گیرد .

*** در جمهوری فدراتیو شورایی که بر ویرانه های جامعه سرمایه داری بنا می شود کلیه موسسات مذهبی . دولتی . شرکتها . صنایع و کارخانجات . کارتل ها و تراست ها و کلیه وسایل تولید و مبادله در دست اشخاص حقیقی و حقوقی را به صاحبان واقعی آنها یعنی تولید کنندگان آزاد متحد و متشکل موسسات باز می گردد و سلطه سرمایه داران و دلالان و محتکرین بر می افتد .**

پدیده جهانی خشونت علیه زنان

و ذبح باید پیش بینی شده باشد و توسط خود این زنان با تابعیت از فرهنگ و قوانین شریعه از رخ دادنش جلوگیری شود.

آری، خشونت علیه زنان در مناطق تحت سلطه اسلام و اسلام سیاسی چهره ای بسیار کریه تر و خونبارتر دارد. و طبعاً یک مبارزه بین المللی و همبستگی جهانی را می طلبد که این ویروسهای ویرانگر را از جامعه انسانی بطور کلی ریشه کن کرد.

خشونت علیه زنان محدود به یک فرهنگ، ملیت، منطقه و کشور خاصی نیست. ریشه خشونت علیه زنان، امر مداوم سیستم مردسالار سرمایه داری جهانی است. و این واقعیت حکم میکند که هر گونه مبارزه ای علیه ستم به زنان نمی تواند بدون ارتباط و جدا از مبارزه طبقاتی علیه این نظام سود محور به سرانجامی برسد.

زنان در سیستم سرمایه داری بوسیله مذهب و فرهنگ بومی، و تعریفها و انتظارات کلیشه ای یک فرهنگ مرد سالارانه به گوشت دم توپ نکبت های برآمده از اوضاع اقتصادی و سیاسی-مذهبی جامعه تبدیل شده اند.

زنان به این معنا نه تنها وجه المصالحه تثبیت دولتی ارتجاعی ترین قوانین ضد بشری در جامعه میشوند بلکه بشکل وحشیانه ای موضوع کشمکشها و اختلافات خانوادگی- قبیله ای، موضوع حسادتهای همسران، بدگمانی های مردان خانواده، جنگهای باندهای قاچاق، و قربانی کشورگشایی های اشرار مسلح مذهبی قرار میگیرند.

رهایی زنان از آپارتاید جنسی و پایان دادن به خشونت علیه خود راهی جز همبستگی در صفوف خود و جوش خوردن به دیگر

جنبشهای اجتماعی دنیا ندارد. جنبش زنان با پیوستن به مبارزه بی امان طبقاتی علیه سیستم سرمایه داری میتواند حیات شوم هر گونه مذهب و فرهنگ و رسم و رسومات ضد انسانی زن ستیز را خاتمه دهد. و این ممکن نمی شود، مگر با مشارکت فعالانه در هر جنبش و حرکت مبارزاتی خُرد و کلان موجود در جامعه، و دخالتگری موثر

در آن، نه فقط در خدمت اهداف و مطالبات بلادرنگ اش، بلکه در راستای تامین اهداف درازمدت و طبقاتی اش در سرنگونی نظام مرد سالارانه سرمایه داری.

پیروز باد مبارزات حق طلبانه زنان جهان

پیروز باد سوسیالیسم

نوشین شفاهی

در گرامیداشت قیام آذربایجان و کردستان در ۲۱ آذر ماه سال ۱۳۲۴

در روز 21 آذر ماه سال 1324 قیام توده های مردم در آذربایجان و کردستان علیه دیکتاتوری حاکم پیروز گردید و برای نخستین بار آزادی احزاب ، حق رای زنان ، قدرت و حاکمیت انجمنهای ایالتی و ولایتی (شوراها) ، آزادی مطبوعات ، اتحادیه ها و تشکلهای کارگری در بخشی از ایران به رسمیت شناخته شد که در سرتاسر ایران نمونه آن یافت نمیشد . و طی یک سال چنان در زمینه اقتصادی و فرهنگی و آزادیهای سیاسی تغییر و تحول بوجود آمد که حکومت مرکزی در هراس از گسترش این تغییر و تحولات به دیگر نقاط ایران بدنبال راه چاره ای بود .

بخاطر اینکه جنبش انقلابی در این دو منطقه خواهان گسترش دموکراسی و آزادیهای اجتماعی به دیگر نقاط ایران بود و همچون نقطه امیدی برای آزادیخواهان ایران و منطقه بشمار میرفت . و این با منافع تجار ، اشراف و فنودالها که از جانب دول امپریالیستی آمریکا و بریتانیا حمایت میشدند و حاکمیت سیاسی آنها در دولت ارتجاعی و کهنه پرست آلمان متبلور میگشت ، به تمامی در تضاد و دشمنی بود . تداوم و گسترش دموکراسی از آذربایجان و کردستان و سرایت آن به دیگر نقاط ایران و کشورهای همجوار باعث گردید تا جبهه متحد ارتجاع سرکوب فوری این جنبش را در دستور کار و برنامه خویش قرار دهد . بدینوسیله پس از گذشت قریب به یک سال جنبش دمکراتیک آذربایجان و کردستان که آغازگر جنبشی انقلابی بود با هجوم ارتش و گروههای مختلف اوباش و چماقداران رژیم سرکوب گردیدند و شکست این جنبشها تداوم دیکتاتوری ، سرکوب و فقدان آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک اجتماعی توده های مردم را در سرتاسر ایران بدنبال داشت . بطوری که پس از گذشت 69 سال میتوان گفت مصوبات برنامه 34 ماده ای پیشنهادی انجمنهای ایالتی و ولایتی آذربایجان و کردستان برای این دو منطقه و سراسر ایران حتی هم اکنون نیز بعنوان حقوق پایمال گردیده های است که بدنبال شکست این دو جنبش ، هزاران انسان آزادیخواه و برابری طلب در سراسر ایران برای تحقق ان مبارزه کرده و جان خویش را بخاطر انها فدا نموده اند و این مبارزه تا به کنون نیز ادامه دارد . با احترام به یاد و خاطره شهدای قیامهای آذربایجان و کردستان مبارزه خویش را برای سرنگونی ارتجاع حاکم و به تحقق رسانیدن آزادی و برابری گسترش دهیم .

نشریه کار کمونیستی زیر
نظر هیئت سیاسی سازمان
اتحاد فدائیان کمونیست منتشر
میشود .

Kar@fedayi.org



آخرین اخبار و گزارشات ، مقالات ، اطلاعیه ها و
نشریات سازمان را از سایتهای زیر دریافت کنید

www.fedayi.org

www.kare-online.com

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
و یا ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر
تماس بگیرید

کار کمونیستی آنلاین

info@kare-online.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته تهران

tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karaj@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

مسئولین پالتاک

paltalkroom@fedayi.org

کمیته امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

پیام کمیته مرکزی کوبا به احزاب ، سازمانها و جنبش های اجتماعی و سیاسی درسراسرجهان بمناسبت آزادی پنج نفر از زندانیان سیاسی کوبائی از زندان آمریکا و عادی شدن رابطه با این کشور

کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا
پیام به احزاب ، نیروها، و حرکت های سیاسی و اجتماعی درسراسرجهان

باکمال خوشحالی ، خلق کوبا آزادی پنج قهرمان ضد ترورراکه بیش از شانزده سال
در زندانهای ایالات متحده آمریکا به گروگان گرفته شده بودند ، جشن گرفتند. جشنی که
بدرستی فقط قابل مقایسه است با روزی که انقلاب کوبادراول ژانویه 1958 به پیروزی
رسید. این پیروزی را ماهچنین جشن میگیریم به خاطر ایجاد روابط سیاسی و عادی کردن
روابط مابین حکومت کوبا و ایالات متحده. موضوعی که باقی مانده است، پایان دادن به
محاصره و بایکوت اقتصادی ، مالیاتی و بانکی است که آمریکای شمالی یکجانبه بر علیه
کوبا وضع کرده است.

بالاخره ایالات متحده آمریکا این موضوع را با زبان رئیس جمهور خود باراک اوباما، اعلام
نمود که «بیش از نیم قرن سیاست محاصره و دشمنی با کوبا به بن بست رسیده و راهی به
جائی نبرده است و این سیاست به جای اینکه کوبارا منزوی کند موجب منزوی شدن خود
کشور شده است.»

این پیروزی تاریخی در درجه اول دست آورد مبارزه انقلابی خلق مابوده که با رهبری فیدل
ورائول و همچنین با همبستگی خستگی ناپذیری که توسط تمامی همیاران و دوستانی که
درسراسرجهان در طی این پنج دهه انقلاب کوبا را یاری داده اند، یدست آمده است.

با تمام اینها، میخواهیم به تمامی احزاب، نیروها، سازمانهای سیاسی- اجتماعی، حرکتها
و سازمانهای عظیم مردمی، همچنین شخصیت ها و بطور کلی تمامی دوستان کوبا، که
مارا در طی این مدت همیاری و پشتیبانی کرده اند، تشکر بی پایان تقدیم کنیم.

ما به این موضوع یقین داریم که با توجه به شرایط جدیدی که برای مابوجود آمده ، همچنان
حمایت و پشتیبانی شمارا با خود ضروری میدانیم و در این شرایط جدید شمارا بعنوان یاران
خود قلمداد میکنیم.

ما این تضمین را به شما میدهم که کوبا ایده های استقلال طلبانه ، حق تعیین سرنوشت و
اعتقاد و پایبندی به سوسیالیسم را با تمام نیرو دفاع خواهد کرد و به پیش خواهد برد.

بخش همکاریهای بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا

هاوانا 18 دسامبر 2014

ترجمه

روابط بین المللی اتحاد فدائیان کمونیست